

امتیاز دانان نئوکلاسیک اساساً دربارهٔ ساختاری که انسانها به منظور نظم بخشی
به محیط و در نتیجه کاهش عدم اطمینان، برخورداران تحمل می‌کنند سوالی نمی‌پرسند و همین
ماهیت یوایی جهانی که در آن زندگی می‌کنیم دغدغه مورد توجه آنان نیست. جهانی که پیوسته
مسائل جدیدی را ایجاد می‌کند که باید حل شود. آیا نظریات قبلی در خصوص این جهان فزاینده
مناسب است این‌های پرسش‌هایی است که در کاغذن توجه موجب

عدم اطمینان در جهان واقعی

قرارداد. عدم اطمینان سلفه طولانی در ادبیات اقتصادی دارد این سابقه به نظر من سال ۱۹۲۱
فراکت نایت در خصوص ریسک و عدم اطمینان برگردید.

به اعتماد نایت ریسک شرایطی است که امکان ترمیم و صورت‌بندی توزیع احتمالی حوادث وجود
داشته باشد به گونه‌ای که فرد بتواند در برابر چنین شرایطی اطمینان داشته باشد به اعتماد نایت، عدم اطمینان
شرایطی است که در آن، ترمیم چنین توزیع احتمالی وجود ندارد.

در خلاف نظر بعضی از اقتصاد دانان عدم اطمینان شرایط غیر معمولی نیست، بلکه شرایط بسیار
شبهانی بوده که مسبب تکامل ساختار سازمانی بزرگ در سراسر تاریخ و دوران ماقبل تاریخ است.

رونالد هینر Ronald Heiner مکتوب: «عدم اطمینان من رفتار قابل پیش‌بینی است»
او ریشهٔ نوآوری نهادی را همین عدم اطمینان می‌داند و با کشف "توانش و دسترس" عامل
آن در مواجهه با چنین شکافی، قواعدی را بنا می‌کند تا انعطاف پذیری انتخاب‌ها در چنین شرایطی
را محدود کند. ما این قواعد را نهادها می‌نامیم.

بجارت دبیو رتبه نیایی شکل گیری نهادها، تلاش بر برای ساختارمند کردن محیط پیرامونش
نوده است تا آن پیش نیی پذیرد تر باشد

البته این تلاش ممکن است موجب عدم اطمینان برای بعضی از گستران گردد برای مثال برقراری حقوق
مالکیتی که تجویب تعین و تصریح شده باشد برای کسانی که بطور مرسوم بدون داشتن سند مالکیتی از زمین
استفاده می کردند، عدم اطمینان را افزایش خواهد داد. پس!

اینکه قواعد (نهادها) توسط چه کسی و برای چه کسانی تعین می شود و مقاصد آن ها چیست ؟
بسیار مهم است

بجارت دبیو چگونه و در چه شرایطی انسان ها وضعیتی را ایجاد می آورند که هزینه ها مبارک
در بازارها اندک و رفاه مادی در حال لغتانی باشد ؟

هرکسی زندگی خود را با رویا رویی با عدم اطمینان فراگیری آغاز می کند. این عدم اطمینان آغازین
از طریق یادگیری دوتوع تجربه - یعنی تجارب تجربیه از محیط فیزیکی و تجارب ناشی از محیط زبانی،
احتمالی / نهایی کاهش می یابد. تجربیات در هر لحظه از زمان و در طی زمان در فرهنگ های گوناگون
متفاوت است، لذا آنها تفسیرها متفاوتی از محیط در نتیجه عدم اطمینان خواهند داشت :

بنابراین

برای فهم چگونه مدیریت و کنترل عدم اطمینان توسط انسان، آگاهان از چگونه وقوع یادگیری

در ذهن ضرورت دارد

آیا همه تبیین ها عقلانی است ؟ آیا سعی و جابود در تبیین ها دخالت دارد ؟ جاباه فرهنگ در تبیین ها چیست ؟
سؤالانی است که باید در آنها پاسخ داد تا بتوانیم مسیر توسعه امصداری را شناسایی کنیم .

سطوح گوناگون عدم اطمینان

وگرایی کلی تاریخ نبری، کاهش نظام مند در عدم اطمینان ادراک سه مرتبه مرتبط با محیط فیزیکی و در نتیجه، کاهش منابع عدم اطمینانی نوره است که با بهره از طریق ناهمبندی متغیر جابجایی، سحر و مذهب تبیین می‌شود.

اما اگر عدم اطمینان مرتبط با محیط فیزیکی کاهش یافته باشد پیامد آن وجود محیط انسانی بیدار بجهت ترویج است و تا زمانی فهم کاملی از این محیط نداشته باشیم نتایج است مقدار زیادی تبیین غیر عقلانی است.

با توجه به مطالب فوق برای شناخت بیشتر فعالیت و تلاش انسانها برای ایجاد محیط قابل پیش‌بینی تر سطوح مختلف عدم اطمینان امروز می‌کنیم:

- ۱- عدم اطمینانی که بتوان با توجه به ذخیره دانش موجود آن را با افزایش اطلاعات کاهش داد برای مثال در قرن پانزدهم میلادی، ایجاد بیمه دریایی که مستلزم نواوری تنظیم اطلاعات راجع به کشتی‌ها، محموله‌ها، مقاصد، زمان طی مسیر، و سایر موارد عدم اطمینان را بر مبنای تبدیل کردن عوامل عمده در افزایش تجارت صحر
- ۲- عدم اطمینانی که بتوان با افزایش ذخیره دانش در خارج محیط‌های موجود، آن را کاهش داد. ابتاعات و نوآوری‌ها در غیاب انگیزه‌های خارجی با افزایش ذخیره دانش شکل گرفت بعنوان مثال تصویر مثبت نسبی عوامل تولید انگیزه‌ای سه برای ساخت بیشتر عوامل تولید و تخصیص مجدد منابع و افزایش تولید.
- ۳- عدم اطمینانی که بتوان فقط با تغییر در خارج محیط‌های، آن را کاهش داد بعنوان مثال قانون ثبت اختراع انگیزه نوآوری و اختراع را افزایش داد و با ایجاد یک نظام قضایی برای کاهش هزینه‌های اجرای قراردادها موجب کاهش هزینه‌های مبادلاتی و عملکرد بهتر بازارها شد.
- ۴- عدم اطمینانی که هنگام مواجهه با تهدیدهای بدیع، مستلزم تحبیر ساختارها و راه‌ها است. واکس انسان‌ها به وضعیت‌های بدیع، به میزان بدیع بودن آن‌ها و میراث فرهنگی کنسروان بستگی دارد. به منزله‌ای که میراث فرهنگی، کنسروان را برای مدیریت و حل چنین مشکلاتی بجهت و آماده‌کنند، انسان‌ها می‌توانند واکس‌هایی را نشان دهند که محیط را از پیش تبیین نپذیری بیشتر می‌خورد و کند.

اگر آن‌ها (کنسرتان) تجهیز و آماده ندهند، ممکن است واکنش‌های نامناسبی بر مایه
چارو و اساس غیر عملی انجام دهند.

واکنش متفاوت امضاها به گذار از مبارله شخصی به مبارله غیر شخصی بجنوبی این موضوع را نشان می‌دهد.
امضاها آنی که به تکامل مباح فریبی خردی داشتند که در واقع، آثار را به ابداع مباح‌های مبارله
غیر شخصی سوق داد به نحو موفقیت آمیزی از عهده مدیریت این فناوری بیانی برآمدند

۵- عدم احسان باقی مانده‌ای که صادره‌ای برای باورهای غیر عملی فراهم کند